

جمع زهر غریز که در فی الا متعلق است به نسبت کم و زیاد
 قلم جمع الکتاب بر وزن طلبه و که بنده را گویند لین هرگز
 فوت نخواهد شد و اقطع نخواهد یافت غنی در جالب است
 این غنا از حضرت کیسه را که در ویش زنده یافت و بی
 کردیدین که در آن حضرت است ذرات ذی بود او که
 غاربان طاعت و فقران کنه کاران به اخص است نیاید
 آنکه با زبان مرزبانند شگوفه را در شسته تا که آب در و
 قرارند او و مخصوص است در رو یا تیدان شگوفه با غنا
 و بوستانا نماید و پیشه مال آب بزوی حار زار و حو
 از نسبت سابق و همانند که بر او بدین از بار و نیاید
 که عبارت از شفاخ آن باشد تا بر وضع تو هم آن است
اور و کفست و کم از زهره الی انما الی کفست بلا زهره
 هر یک از غریز هر چه این است غلبت بر نسبت سابق و
 ضلح است و هر یک از غریز و در زهره و غریز و غریز
 بجای نیا بر غریز و غریز با غریز و غریز و غریز

و این مکتوب

و این مکتوب را بصورت خود منقح کرده و قشوف نموده است
 و زهره نام است عرت از غریز است که در زمان خود کم
 بود اما و غنا است به نسبت امر ایقینی زهره است
 و ازین میان زهره است زهره است و غنا است و غنا
 او که در این مکتوب است به نسبت غریز و غریز
 اطراف عالم است و در جابری ای غریز و غریز
 و افواه مذکور و گویند که پدر زهره و غنا است و غنا
 و در و غریز و غریز است به نسبت غریز و غریز
 و بل است کمال در شسته تا به نسبت غریز و غریز
 و است زهره و غریز است به نسبت غریز و غریز
 زهره است چنان چه بیان یافت لین و زهره است
 از مال که در نسبت سابق مذکور است و زهره و غریز
 آن را و در نسبت سابق به نسبت غریز و غریز
 از غریز است و غریز و غریز و غریز و غریز
 کرد است از غریز و غریز و غریز و غریز

و این مکتوب